

وجود رجایی خیر و برکت بود



مرتضی طلایی، طی پیامی درگذشت سردبیر فقید جام جم را تسلیت گفت. به گزارش جام جم در متن یادبود و تسلیت عضو سابق شورای شهر تهران آمده است: «سخت و تلخ است در میان شورِ فرا رسیدن ماه خون و قیام، محرم الحرام، داغ غزای یکی از دل‌سوخته‌ترین عاشقان بارگاه سید و سالار شهیدان را بر دوش دل‌بکشیم.

سال‌هاست که روح... رجایی عزیز را می‌شناختم. از دوران حضور در پلیس تهران تا خدمت در مدیریت شهری، جوانی دغدغه‌مند که هیچ برای خود نمی‌خواست. در همیشه حضورش و در کلام و نوشته‌هایش دواصل همیشه خودنمایی می‌کرد؛ اول با بیان مشکلات مردم و دیگری نقد عملکرد مسئولان. خط قرمزش هم مردم بود. هر چند از روح... نوشتن سخت است، ولی مگر می‌شود نام او در میان باشد و تلاش و ابتکار عملش در خدمت‌رسانی به هم‌یهنان آسیب‌دیده در سیل و زلزله را نگفت؟ یا مگر می‌شود فراموش کرد که چطور بی‌ادعا به زائران اربعین حسینی خدمت می‌کرد؟ حضورش همیشه خیر بود و برکت، پشتوانه بود برای دوستان و همکارانش و با تمام وجود زندگی پربرکش راوقف مکتب حسینی کرده بود. هر چند کوتاه زیست، ولی پربرکت بود هر نفس روح...!

توکلش به خالق هستی بود و ذکر نام حسین‌بن‌علی، آرام‌بخش وجودش! و همین ارادت و عشق شاید سبب شد تا در آستانه محرم الحرام و در زمانی سرفرگنده که امکان برپایی پیاده‌روی اربعین نباشد چه سعادت‌ی است که عاشورا، چهلمین روز سفر عاشق حسین (ع) باشد. اندوه‌نودروح... رجایی عزیز، جانگناه است و تنها کلام و نوشته‌های روح... است که آرامش می‌دهد وقتی فرزندان عزیز و همسر مکرمه‌اش را به سالار شهیدان، حضرت اباعباد... (الحسین (ع) می‌سپارد.

بی‌شک جای خالی او، چه در خانواده مطبوعات و چه در میان دوستان و هم‌کاران و خانواده محترمش، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر است. داغ فراق اول دل همه دوستانش را گذاخت، اما فراموش نکنیم که روح... رجایی، عاشورایی زیست و عاشوراوی رفت. به ما آموخت که هر جا دلمان گرفت بگوئیم جان‌یا حسین (ع).

مرتضی طلایی همچنین روز گذشته با حضور در تحریریه روزنامه جام‌جم، ضایعه درگذشت روح... رجایی را به هم‌کاران وی و جامعه مطبوعات کشور تسلیت گفت.

سریال «شهید شهریاری» اواخر مرداد کلید می‌خورد

مصطفی علمی‌فرد، تهیه‌کننده سریال «شهید شهریاری» از ادامه پیش تولید فصل اول این مجموعه و آغاز تصویربرداری آن از ۱۵ مرداد خبر داد.

مصطفی علمی‌فرد، تهیه‌کننده سریال «شهید شهریاری» در گفت‌وگو با صبا با اشاره به این که این سریال همچنان در مرحله پیش تولید فصل اول است، بیان کرد: این سریال در سه فصل ۱۰ قسمتی به تولید می‌رسد و سه دوره زندگی شهید مجید شهریاری را در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی تا روز شهادت ایشان روایت می‌کند. در حال حاضر مشغول پیش تولید فصل اول این مجموعه و انتخاب بازیگران هستیم و احتمالاً هفته آینده انتخاب بازیگران به جمع بندی نهایی می‌رسد.

وی ادامه داد: اگر خدا بخواهد ۲۵ مرداد کار را کلید می‌زنیم. همچنین باید بگویم از آنجا که فصل اول از یک سال قبل از تولد و دوران کودکی شهید شهریاری را روایت می‌کند تصویربرداری این سریال از زنجان آغاز می‌شود. تهیه‌کننده سریال «شهید شهریاری» با اشاره به این که بخشی از بازیگران زنجان در فصل اول این مجموعه حضور دارند، توضیح داد: فردا ۱۳ مرداد گروه کارگردانی برای انتخاب بازیگران به استان زنجان سفر می‌کنند. همچنین لوکیشن‌هایی که قرار است در استان زنجان مورد استفاده قرار بگیرد، انتخاب شده است.



ماجرای پسر شجاع

تهیه‌کننده زبانی مجموعه در قدم اول، ۲۶ اپیزود آن را تهیه کرد و در میانه پخش آنها بود که به فکر تولید قسمت‌های بیشتری از آن افتاد. خط اصلی قصه این کار درباره یک سمور کوچولو به نام پسر شجاع بود. حال و هوای مجموعه هم از همان اول اپیزودیک بود، اما این داستان‌های مختلف و مستقل برای تعدادی شخصیت ثابت

گفته‌وگو یادو ویاورهای «پسر شجاع» که یکی از خاطره‌انگیزترین کارتون‌های بچگی ما بود

پسر شجاع ۴۵ ساله شد



فاطمه شه‌دوست

رسانه

برویم و از حال و احوال این روزهایشان جویا شویم.

مردم هنوز هم صدایم را می‌شناسند

مهوش افشاری صداییشه پسر شجاع است، گوینده‌ای که از همان قسمت‌های اول بعد از نادره سالارپور سرپرستی پسرک شجاع را به عهده گرفت و از او شخصیتی ساخت که همچنان گوشه ذهن خیلی از ما جا خوش کرده است. او که این روزها به گفته خودش از صبح تا شب درگیر مدیریت دوبلاژ مجموعه‌های مختلفی است، در فرصت کوتاهی که بین کارهایش پیش آمد، گپ و گفتی با ما دادشت.

می‌کنند و زمان می‌برد تا به تیپ‌سازی برای شخصیت‌ها نزدیک شوند.

البته این شکل از دوبله فکر می‌کنم باعث شود تا مردم از روی صدا نتوانند تشخیص دهند که مثلاً پسر شجاع هستی‌د.

بله، من در زمان صدایپیشگی این شخصیت و برخی دیگر از کارها، آن‌قدر تیپ و ویژگی‌ای برای آن ساخته بودم که اغلب مردم با صدای عادی هم نمی‌توانستند حدس بزنند که من مثلاً پسر شجاع هستم.

آن وقت ناراحت نمی‌شوید که متوجه شمانمی‌شوند؟

نه، چون مردم آن‌قدر باهوش هستند که باز هم خیلی اوقات متوجه می‌شوند که صدایم آشناست و گاهی جلو می‌آیند و می‌پرسند که شما دوبلور هستی‌د؟ از سوی دیگر برایم جالب است که واکنش مردم به این نقش‌ها را می‌بینم.

از روزهای دوبله پسر شجاع قطعا خاطرات زیادی دارید، حس و حال آن موقع‌تان را یادتان هست؟

ما شنبه‌ها برای این مجموعه کار می‌کردیم و به یاد دارم که آقای افشار مدیر دوبلاژ بودند. از آن جا که تعداد زیادی در استودیو جمع می‌شدیم یادم است که فضای شادی داشتیم و خیلی شوخی می‌کردیم و خوش حال بودیم. همین پشت صحنه و حس و حال خوبی که وجود داشت هم باعث می‌شد که هر کس نقشش را با بیشترین انرژی ایفا‌کند.

اما راستی آخر و عاقبت پسر شجاع و خانم کوچولو چه شد؟

آن‌ها عاقبت خاصی نداشتند چون در این مجموعه همیشه از آن گفتم این دست کارها در ذهن مردم ثبت شدند و به شکلی، خیلی‌ها به آن عادت کردند تا جایی که سال‌ها بعد هم

که چشم‌شان به آن می‌خورد حس خوبی از دیدن‌شان پیدا می‌کنند و مثل من و شما با لبخند آن را دنبال می‌کنند. همه اینها در حالی رخ می‌دهد که کارتون‌ها و برنامه‌های زیادی این روزها روی آنتن می‌رود.

چرا پسر شجاع پدرش را به آن شکل معروف صدا می‌زد؟ چه شد که به این ترکیب رسیدی‌د؟

من اول خرس مهربون را می‌گفتم و بعد از آن‌که برای خانم سالارپور سفری پیش آمد، دوبله پسر شجاع را هم بعد از

چند جلسه اول به عهده گرفتم. به همین دلیل آن پدر گفتن معروف را هم در همان قسمت‌های اول خانم سالارپور عنوان کرده بود و در ادامه من سعی کردم آن را طوری پیش ببرم که کسی متوجه تغییر صدای او نشود. به همین خاطر همان تیپ را ادامه دادم.

دقیقا؛ می‌شود گفت که این تیپ‌سازی هم از دلایل اصلی

به یادماندنی شدن پسر شجاع شده است.

آن موقع‌ها ما سعی می‌کردیم برای هر شخصیتی تیپ و ویژگی‌ای بسازیم، موضوعی که همیشه به بچه‌هایی که با آنها کار می‌کنم، توصیه می‌کنم.

مثلاً ما برای نقش خرگوش با همان خرس‌ها و پسر شجاع حالت فک‌مان را تغییر می‌دادیم و دندان‌های‌مان را جلوتر می‌آوردیم. همین باعث می‌شد که آن فرم پدر گفتن شکل بگیرد و برای خیلی‌ها جالب باشد. اما خیلی از جوان‌تهای این حوزه کمتر چنین کاری



اتفاق می‌افتاد که در تمام اپیزودهای آن حضور داشتند. قصه اپیزودهای پسر شجاع در یک جنگل رخ می‌داد و در هر قسمت، پسر شجاع با یک ماجراجویی تازه روبه‌رو می‌شد. در کنار شخصیت پسر شجاع، چند شخصیت مهم دیگر هم در دل قصه و ماجراهای آن حضور داشتند. پدر پسر شجاع یکی از معروف‌ترین این شخصیت‌ها

شهرت با پدر پسر شجاع

مامی نویسیم پرویز ربیعی اما شما همان پدر پسر شجاع صدایش کنید. دوبلوری که تا اسمش را چست و جومی‌کنید، با عنوان یکی از مهم‌ترین گویندگان نقش‌های مکمل در تاریخ دوبله ایران روبه‌رو می‌شوید. «استاد نجار»، «هایدی»، «هاج زنبور عسل» و... بخشی از کارهای ماندگار و آشنای او هستند. اما خودش هم معتقد است که پدر پسر شجاع نقشی است که هنوز خیلی‌ها او را با آن صدامی‌کنند.

این‌که او این روزها چه احساسی به جناب پدر پسر شجاع دارد، سوالی بود که درباره‌اش می‌گوید: درمورد پدر پسر شجاع بارها گفته‌ام، اما زمانی که شما به طور ثابت از بین فیلم‌ها و سریال‌ها، چندین و چند قسمت در کاری شخصیتی را می‌گوی، خودبه‌خود احساس ویژه‌تری به آن پیدا می‌کنید و از جایی به بعد دیگر آن را مثل بچه خودتان می‌دانید. این ماجرای این است که در مورد آقای پدر پسر شجاع هم وجود داشت. بعد از بیشتر از صد قسمت همراه شدن با این گروه و آن شخصیت، دیگر پدر پسر شجاع را جزئی از خودم می‌دانستم و احساسم نسبت به بقیه شخصیت‌هایی که شاید تنها چند قسمت از آن را گفته بودم، تفاوت پیدا کرده بود.

او اضافه می‌کند: برای این نقش و البته بقیه کارهای این چنینی همه تلاشم را کردم تا به بهترین شکل ممکن از آب دربیاید چون به آقای پدر احساس پندانه‌ای داشتم.

اسم پدر پسر شجاع



بگویند شیپورچی، بخوانید تورج نصر!

شیپورچی جزو شخصیت‌هایی است که اگر شهرتش بیشتر از پسر شجاع نباشد، کمتر نیست و در این بین صدای معروف او به همراه خنده‌های شیطنت‌آمیزش قطعا یکی از دلایلی است که در این حد ماندگارش کرده است. گویندگی این شخصیت را تورج نصر به عهده دارد. دوبلوری که امسال ۷۴ ساله شده و از زمان بارپایاها و تنسی تا کسیدو تا امروز با صدایش به شخصیت‌های زیادی جان بخشیده است.

عوض کردم و هر بار با مادرم پرونده به دست به دنبال جای تازه‌ای بودیم. این شیطنت‌ها همچنان ادامه دارد، برای همین اغلب نقش‌های پرشیطنت به من پیشنهاد داده می‌شود.

در مورد این مجموعه خاطرات زیادی وجود دارد که در آن لحظه خیلی جالب بود اما با گذر زمان قدیمی شده و تعریفش لطف چندانی ندارد. با این حال به گفته او فضای شاد پشت صحنه باعث می‌شد تا گذشت زمان را حس نکنند و این اتفاقی بود که درم‌ت‌کاری رخ می‌داد.

نصر از گوینده‌هایی است که به قول خودش عاشق کارتون است، اما این‌که این علاقه از کجا می‌آید سوالی بود که او در پاسخ به آن عنوان می‌کند: به طور کلی کار دوبلاژ به شکلی است که باید عاشقش باشید چون این شغل بسیار خسته‌کننده‌ای است و تحمل آن سخت است. البته این روزها به دلیل دیجیتالی شدن شرایط، این سختی کمتر شده است و با همه این‌ها دوبله دیگر حال گذشته را ندارد چون هر کس دیالوگش را به تنهایی می‌گوید و می‌رود و آن فضایی که باید، وجود ندارد.

او با انتقاد از فضای امروز صداها اعتقاد دارد که ما دوبله‌مان را از دست دادیم و همان حدی هم که داشتیم را هم دیگر نداریم چون همان‌طور که گفتم فیلم‌های خوب نمی‌آید، پرورش درستی انجام نشده است، انتخاب‌ها خوب نیستند و تقریباً می‌توان گفت که این فضا بی‌در و پیکر شده است. نصر می‌افزاید: مدت‌هاست که دیگر فیلم جدید وارد نمی‌شود و مدام درگیر تکراری شدیم که ادامه دارد. این شانس نسل جدید است که بد زمانی به دنیا آمده‌اند و چیزی از این فضای که قبل‌تر بود را نمی‌بینند. در این بین اصلاً به کار کودک اهمیت داده نمی‌شود. در دهه ۶۰ باز این توجه بیشتر بود اما این روزها کمتر اتفاقی در این زمینه می‌افتد. به همین خاطر است که بچه‌ها به کارهای غربی تمایل پیدا کرده‌اند و چیزی از شاهانه و قصه‌های اصیل ایرانی نمی‌انند.

من همین‌جا از همه خانواده‌ها می‌خواهم که فرزندان‌شان را با این فضا آشنا کنند چون در حال فراموش شدن است.

